

تجددگرایان مصری: از کج فقهی اسلام تا منحرف نمودن امت از قضیه سرنوشت ساز آن!

(ترجمه)

خبر

نشریه روز هفتم به تاریخ 30 جنوری 2020 میلادی گفته است که دکتور محمد الخشت رئیس دانشگاه قاهره به سوی یک انقلاب که آن را عصر جمود دینی و بیرون شدن از دایره رهبانیت انسانی نام گذاری کرده، دعوت می کند. وی گفته است که نیاز به یک مقابله فراگیر جهت تجدید فهم مسلمانان از دین شان توسط یک انقلاب تعلیمی و رسانه ای و دور ساختن تمام مصادر وهمی و خیالی می باشد.

یک سایت مصری به تاریخ 3 فبروری 2020م به نقل از «نشأت زارع» از امامان بزرگ ولایت دقهلیه در بیانات رسانه ای نگاشته است: «هرگاه ما از تجدید اندیشه دینی سخن می گوئیم، پس در این صورت نقطه آغاز (الفباء) کارمان عبارت از نقد میراث است؛ زیرا این کار انسانی است؛ چون در جهان امروزی تلاش ها برای ایجاد معیارهای انسانی که همه بر آن اتفاق دارند، در جریان است و هر نصی که ما را با دیگران در تقابل قرار می دهد، برایش راه حلی در نظر می گیریم، یا تأویل اش می کنیم و یا به سبب نزول و تاریخ اش نگاه می کنیم.» وی افزود: «هم چنان ما از حملات صلیبی انتقاد می کنیم و می گوئیم که هیچ ارتباطی به مسیحیت ندارد، فتوحات اسلامی را نیز انتقاد می کنیم و می گوئیم که از ارکان اسلام و فرائض آن نیست و سیدنا علی بن ابی طالب آن را متوقف ساخت و انجام نداد و اعمال صحابه اعمال انسانی بودند که در آن درست و نادرست موجود است و این برای شان عیب نیست؛ به دلیل این که صحابه های مانند: ابوبکر صدیق و عمر بن خطاب پیرامون جنگ با مانعین زکات اختلاف کردند. آن ها در یک موضوع سیاسی اختلاف کردند؛ نه موضوع دینی.

تبصره

حملة بی شرمانه بر اسلام، عقاید، افکار و مفاهیم آن و حتی احساسات آن از جانب کفتارهای تربیت شده با ثقافت غرب که رئیس نظام آن را رهبری می کند که پرچم جنگ با عقیده امت را زیر نام تجدید دین شان برداشته است، آن چه که عنوان می کنند غیر از اختراع و تراشیدن دین جدید، چیز دیگری نیست؛ دینی که نه رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را آورده و نه و صحابه کرام از وی چنین چیزی را برداشت کرده اند.

اسلام عقیده سیاسی و عملی است که برای این نیامده تا زیر پا شود و فقط برای این آمده تا نه تنها برای مسلمانان؛ بلکه در زندگی تمام مردم تطبیق شود و پیام آور خوبی ها و هدایت برای تمام بشریت باشد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الانبیاء، آیه 107]

ترجمه: ای پیامبر! ما تو را جز به عنوان رحمت برای جهانیان نفرستاده ایم!

و این دقیقاً همان چیزی است که ربیع بن عامر رضی الله عنه فهم کرده است، زمانی که نزد رستم داخل شد، رستم از او پرسید برای چی آمدید؟ وی رضی الله عنه پاسخ داد: «الله ما را فرستاده است تا از بندگان اش کسی را که او بخواهد از بندگی بندگان نجات داده و به سوی بندگی پروردگار بنده ها سوق دهیم و از تنگی دنیا به سوی فراخنای دنیا و آخرت و از ستم ادیان باطل به سوی عدالت اسلام رهنمون گردانیم.» و رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانی که فرستادگاش را به سوی کسری و قیصر و بزرگ مصر (مقوقس) فرستادند چنین فرمودند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. مِنْ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى هِرَقْلَ عَظِيمِ الرُّومِ. سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى. أَمَّا بَعْدُ؛ فَإِنِّي أَدْعُوكَ بِدِعَايَةِ الْإِسْلَامِ، أَسْلِمُ تَسْلِمًا يُؤْتِكَ اللَّهُ أَجْرَكَ مَرَّتَيْنِ، فَإِن تَوَلَّيْتَ فَإِنَّ عَلَيْكَ إِثْمَ الْأَرِيسِيِّينَ» (متفق علیه)

ترجمه: بنام الله بخشنده مهربان! از محمد بنده الله و فرستاده او به هرقل بزرگ روم! سلام بر آن کس که از هدایت تبعیت کند! اسلام بیاور تا سالم بمانی! اسلام بیاور تا الله پاداش تو را مضاعف بدهد! اما اگر نپذیری، گناه اریسیان (منظور پروان اوست که در کفر از او

متابعیت می کنند) برگردن تو خواهد بود!

از این معلوم می‌شود که اسلام آمده تا توسط یک دولت در داخل بر مردم حاکمیت کرده و برای تمام جهان با دعوت و جهاد رسانده شود و این چیزیست که از بررسی دلایل شرعی با فهم صحیح و پیروی از سیرت نبی کریم صلی الله علیه وسلم و اعمال‌شان در مکه و آن‌چه که در مدینه از وحی الله سبحانه و تعالی بر ایشان نازل شد، تا این‌که الله متعال انصار را برایش آماده ساخت و دولت مدینه بود که اسلام را به طور عملی بصورت کامل و دوام‌دار حتی بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم تطبیق می‌کرد.

اسلام قبل از تأسیس دولت اسلامی در مدینه و بعد از سقوط آن به دست مصطفی کمال ستمگر تطبیق نشد؛ اما بعد از تأسیس دولت تا هنگام سقوط آن یک دولت فعال در صحنه بین المللی بود و بدون شک در تمام مراحل، دولت نخست جهان به شمار می‌رفت و نور و عدالت‌اش را در تمام نواحی و اطراف زمین از لحاظ فرهنگ و تمدن و نهضت صحیح بر اساس اسلام و عقیده‌اش منتشر ساخت. پس از آن کفتارها می‌آیند و این مرحله از زندگی امت را به مرحله جمود دین و کفایت انسانی توصیف می‌کنند، بر فتوحات اسلامی دست‌درازی نموده و فتوحات آن‌ها را با حملات صلیبی یکسان می‌دانند، گویا مسلمان‌ها زمین و دارایی‌هایش را از باشندگان آن غصب کرده باشند و مردم آن را به بردگی گرفته باشند. وای بر آن‌ها که درست نخوانند که مسلمان‌ها چگونه شهرها را فتح می‌کردند و لشکر پیروز و رهبر آن به چه چیزی شروع به مخاطب قرار دادن مردم و رهبران‌شان می‌کردند!!

مسمانان در نخست آن‌ها را به سوی پذیرش اسلام و یا پرداخت جزیه فرامی‌خواندند و به آن‌ها مهلت می‌دادند تا این‌که تصمیم بگیرند قبل از این‌که به جنگ آن‌ها آغاز کنند و هیچ‌کسی را مجبور به اسلام آوردن نمی‌کردند؛ اگرچه هر یک در سایه آن با عدالت آن باوجود باقی ماندن بر دین‌شان بهره‌مند می‌گردیدند.

حالا بین این و آن‌چه که اسپانیا در برابر مسلمانان اندلس و حتی نصرانی‌هایی که در مذهب با آن‌ها مخالف بود؛ انجام داد مقایسه کنید. از تاریخ بیاموزید چی کسی محاکم تفتیش و اسباب شکنجه را اختراع کرد؟ و چی کسی والی‌هایش را از سخت گرفتن بر مردم منع می‌کرد؟ و چی کسی بر اسپران مهربانی می‌کرد و حتی زخمی‌های لشکر دشمن را تداوی می‌کرد؟

ای کفتارها! بدانید که این امت نیاز ندارد تا از فتوحات عذرخواهی کند؛ بلکه نیاز دارد تا خود را از آن‌چه از دهن‌های شما بیرون می‌شود و دست‌ان شما برای مسموم ساختن افکار آن طرح می‌کند، دور سازد. این امت نیاز ندارد تا شما با مفاهیم‌تان که بر اساس دیدگاه غرب تفسیر کرده شده؛ فهم دین‌ش را برای‌ش تجدید کنید. تا آن‌را از قضیه سرنوشت‌سازش که اعاده دولتیست تا اسلام را تطبیق کند و از آن واقعیت عملی قابل لمس بگرداند که مردم آن‌را با عدالت‌اش ببینند، عدالتی که دروغ‌های رهبران غرب را نسبت به آن آشکار سازد و ادعاهای تروریستی بودن و طرح اسلام‌هراسی که با آن اسلام را بدنام کرده‌اند؛ رد کند و سپس مردم گروه گروه به دین الله متعال داخل گردند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ [هود: 18]

ترجمه: چه کسی ستم‌گرت‌تر از کسی است که به الله دروغ بندد؟! (کسانی که به الله دروغ می‌بندند و چیزهایی را بدو نسبت می‌دهند که از او نیست، در قیامت به گونه خاصی) آنان به پروردگارشان عرضه می‌گردند (و در دادگاه عدل الهی به سان می‌شوند) و گواهان (حاضر در آنجا، اعم از پیامبران و فرشتگان و غیره بر آنان گواهی می‌دهند) می‌گویند: اینان بر پروردگار خود دروغ بسته‌اند (ولندا زشت‌ترین گناه و رسواکننده‌ترین ستم را مرتکب شده‌اند). هان! نفرین الله بر ستم‌گران باد؛ کسانی که مردم را از راه الله باز می‌دارند و راه الله را کج و نادرست نشان می‌دهند و به آخرت کفر می‌ورزند.

این حقیقتیست که رهبران غرب آن‌را درک کرده‌اند و نزدیک آمدن آن‌را می‌دانند و برای آن هزارها برنامه طرح کرده‌اند و به اندازه توان‌شان کوشش دارند تا آن‌را دفن کرده یا به تأخیر بیندازند و به همین سبب تمام مزدوران و سگان نگهبان‌شان را جمع کرده‌اند تا امت را از دین‌شان برگردانند و مفاهیم‌شان را تغییر داده بر اساس دیدگاه غرب تفسیر کنند و تهداب بقاء خود را محکم سازند تا بر شهرها نگهبانی کنند و داشته‌ها و نعمت‌هایش را به غارت ببرند؛ اما این آرزو را باید به خاک ببرند. در میان امت مردانی است که به فکر امت و بیداری آن ایستاده‌اند

و برای برپاساختن آن کار می‌کنند و برای آن پروژه اسلامی را پیرامون داشتن خلافت راشده بر منهج نبوت به پیش می‌برند که قدرت دور کردن نظام، فرهنگ، اسرار و اسباب غرب را داشته و از هیچ چیزی کم نیستند؛ مگر از نصرت صادقانه و مخلصانه اهل قدرت فرزندان امت در ارتش‌ها.

ای اهل مصرکنانه! این کفتارها و حاکمانی که در رهبریت قرار دارند، بزرگ‌ترین آرزوی‌شان این است که شما را از فکر شما در مورد تغییر نظام برگردانند و نظام اسلام و دولت خلافت راشده بر منهج نبوت را به افکار غلط تبدیل نمایند؛ بناءً کوشش می‌کنند شما را به کشمکش‌های گوناگون بکشانند که تلاش‌های شما را ضایع سازد و توانایی‌های شما را نابود گرداند و شما را از قضیه بزرگ و سرنوشت‌ساز شما که حزب التحریر شما را به آن متوجه می‌سازد روی‌گردان کند. به این کفتارها گوش ندهید؛ چون به آن چه فرامی‌خوانند فاسد است. کسانی را به آغوش گیرید که از خود شما هستند؛ رهبرانی که به شما را دروغ نمی‌گویند و جز خوبی برای شما و به نفع شما چیز دیگری را نمی‌خواهند. فرزندان‌تان را در لشکر کنانه بر نصرت‌شان، برداشت و به آغوش گرفتن فکرهاشان تشویق کنید که در آن خیری شما، امت تمام انسان‌هاست.

ای انسان‌های با اخلاص در لشکرکنانه! این دین شماست که مورد تاخت و تاز قرار می‌گیرد و عقیده و احکام آنست که می‌خواهند با ادعاهای نوآوری توسط شیفته‌گان تمدن غرب و تشنه‌گان فرهنگ آن نابودش سازند و هرگز ریاست نظام شما را از چیزی بی‌نیاز نمی‌سازد و منفعتی برای شما نمی‌رساند. آن چه برای شما از امتیازات و بهره‌ها بطور رشوت می‌بخشد؛ برای آنست تا توسط آن شما را در مقابل هتک حرمت‌ها و ضایع شدن حقوق ساکت سازد. پس در مورد دین‌تان از الله بترسید، برای نصرت و بیعت با دولتی که غرب از برپا شدن و بوجود آمدن‌اش می‌هراسد؛ آماده شوید. پس چی کسی از اسلام دفاع می‌کند؛ اگر شما نباشید؟ و چه کسی آن را غیر از شما نصرت می‌کند؟ از خودتان برای الله متعال موقفی را نشان دهید که آن را از شما دوست می‌دارد، شاید توسط شما دولتی برپا گردد و برای شما عزت و اقتدار عنایت کند، خلافت راشده بر منهج نبوت. یا الله آن را زود بیاور و ما را از ارتش و شاهدانش بگردان!

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنفال: 24]
ترجمه: ای مؤمنان! فرمان الله را بپذیرید و دستور پیامبر او را قبول کنید؛ هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی (مادی و معنوی و دنیوی و اخروی) بخشد، و بدانید که الله میان انسان و دل او جدائی می‌اندازد (و می‌تواند انسان را از رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهای دل باز دارد و او را بمیراند و نگذارد عمر طولانی داشته باشد که مهم‌ترین آرزوی دل هر انسان است)، و بدانید که همگان در پیشگاه الله گردآورده می‌شوید (و به حساب و کتاب‌تان رسیدگی می‌گردد)!

نویسنده: سعید فضل

مترجم: احمد صادق امین